

علل گرایش به قانون جذب

مرضیه قربانی^۱

چکیده

با گسترش آموزه‌های تفکر نوین و نفوذ روزافزون قانون جذب در میان افشار مختلف جامعه، به‌ویژه جوانان، بررسی زمینه‌های فکری، روانی و فرهنگی این گرایش اهمیت ویژه‌ای یافته است. ضرورت این پژوهش از آن‌جا ناشی می‌شود که بسیاری از مخاطبان این نظریه، گرفتار نوعی جهل مرکب هستند؛ یعنی بدون شناخت صحیح از مبانی دینی و علمی، تصور می‌کنند به حقیقتی قطعی دست یافته‌اند. این مقاله با هدف بررسی علل روان‌شناختی، فرهنگی، اجتماعی و معرفت‌شناختی گرایش گسترده افراد به قانون جذب در عصر حاضر نگاشته شده است. در این تحقیق، ضمن شناسایی عناصر مؤثر در شکل‌گیری این گرایش، به مقایسه تطبیقی آن با مبانی اسلامی پرداخته شده و ساختار پژوهش نیز مطابق با چهار دسته عوامل اصلی (روان‌شناختی، رسانه‌ای، معرفتی و دینی، جذابیت‌های عامه‌پسند) تنظیم شده است. این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای انجام گرفته و تلاش شده با رویکردی انتقادی، محتوای این نظریه بررسی گردد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ضعف در معرفت دینی، نیاز روانی به کنترل زندگی، بحران هویتی، تبلیغات رسانه‌ای و جذابیت‌های سطحی و ساده قانون جذب از جمله مهم‌ترین عوامل گرایش به آن است. در پایان نیز با بهره‌گیری از آیات قرآن و سخنان نهج‌البلاغه، رویکردی اسلامی برای پاسخ به نیازهای معنوی و فکری مخاطبان ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: تفکر نوین، جهل مرکب، راندا برن، قانون جذب، قانون راز

^۱ دانش آموخته سطح ۲، مدرسه علمیه نرجس خاتون دولت آباد، a.amoozesh1395@chmail.ir

مقدمه

قانون جذب به عنوان یکی از نظریات پرتعداد در فضای معنویت‌گرایی مدرن مطرح است. این نظریه ادعا دارد که انسان با افکار و احساسات خود می‌تواند واقعیت زندگی را جذب کند. اهمیت بررسی این موضوع در آن است که افراد بسیاری به‌ویژه در جوامع اسلامی، بدون در نظر گرفتن پشتوانه‌های فکری و دینی آن، به آن تمایل پیدا کرده اند

هدف از این تحقیق، بررسی علل روان‌شناختی، فردی، اجتماعی و معنوی گرایش به قانون جذب و تطبیق آن با آموزه‌های اسلامی است.

این مقاله درصدد پاسخ به این پرسش اصلی که علل روان‌شناختی و اجتماعی گرایش به قانون جذب چیست و تا چه میزان با آموزه‌های اسلامی سازگار است.

گسترش سریع مفاهیمی چون قانون جذب در فضای مجازی، کتاب‌ها، و جلسات انگیزشی، بدون بررسی دقیق ریشه‌ها و تطبیق آن با فرهنگ دینی، ضرورت بررسی آن را دوچندان می‌کند.

همچنین، با توجه به برخی پژوهش‌های انجام شده در این حوزه، مانند کتاب «راز» از راندا برن و کتاب کاوشی در معنویت‌های نوظهور نوشته ی آقای حمزه شریفی دوست و مقاله ی «قانون جذب و عرفان‌های نوظهور» نوشته ی آقای مظاهری سیف، از منابعی هستند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با موضوع مرتبط‌اند. تفاوت تحقیق حاضر در نگاه تلفیقی روان‌شناختی و دینی و تمرکز بر علل گرایش مردم به این قانون به صورت دقیق تر بررسی می‌گردد.

مقاله شامل پنج فصل است: فصل اول به علل روان‌شناختی، فصل دوم :تأثیر رسانه هاو فضای مجازی، و فصل سوم : علل معرفتی و دینی گرایش به قانون جذب،فصل چهارم : جذابیت‌های عامه پسند قانون جذب، فصل پنجم: جهل مرکب ودانایی کاذب وناتوانی در ادراک صحیح می پردازد. این تحقیق با روش توصیفی _تحلیلی وگردآوری منابع به شیوه کتابخانه‌ای نگاشته شده است.

مفهوم شناسی

۱. تفکر نوین

لغوی: واژه‌ی «تفکر» از ریشه «فَكَرَ» به معنای تکرار و تأمل در قلب و ذهن برای درک و عبرت است: «فَكَرَ فِي الشَّيْءِ يَفْكِرُ فِكْرًا وَ تَفَكَّرًا: رَدَّدَهُ فِي قَلْبِهِ يَعْتَبِرُهُ»^۱.

اصطلاحی: تفکر نوین جنبشی معنوی با ظاهر دینی ولی مبتنی بر مبانی سکولار و اومانیستی است که انسان را منشأ همه چیز می‌داند و او را قادر به خلق واقعیت با ذهن خویش معرفی می‌کند؛ درحالی‌که این نگرش با اصول توحیدی و باور به ربوبیت و قضا و قدر الهی ناسازگار است^۲.

۲. قانون جذب

لغوی: «جذب» در لغت به معنای کشیدن چیزی به سوی خود با قدرت و نیرو است:

«الْجَذْبُ: اسْتِخْرَاجُ الشَّيْءِ إِلَى نَفْسِكَ بِقُوَّةٍ»^۳.

اصطلاحی: قانون جذب مفهومی بنیادی در تفکر نوین است که مدعی است هرچه انسان در ذهن خود تصور و بر آن تمرکز کند، همان را به‌سوی خود جذب می‌نماید. این مفهوم مبنای دینی و عقلی ندارد و با آموزه‌های اسلامی مانند توکل، قضا و قدر، و نقش الهی در تدبیر هستی در تعارض است^۴.

^۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۴۵۹، ماده «فکر».

^۲. کربلایی‌لو، نقدی بر عرفان‌های نوظهور با تأکید بر قانون جذب، ص ۳۵.

^۳. زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۰، ص ۳۹۶، ماده «جذب».

^۴. عالمیان، نقد تفکر نوین از منظر معارف اسلامی، ص ۷۸.

از دیدگاه کتاب راز: در کتاب راز اثر راندا برن، قانون جذب چنین تعریف می‌شود: «هر چیزی که به آن فکر می‌کنید، به زندگی‌تان جذب می‌شود؛ همه چیز از افکار آغاز می‌شود و شما با قدرت ذهن می‌توانید همه چیز را به دست آورید، از ثروت گرفته تا روابط، سلامتی و خوشبختی.»^۱

۳. جهل مرکب

لغوی: «جهل» به معنای ناآگاهی و نادانی است و «جهل مرکب» حالتی است که فرد نه تنها نمی‌داند، بلکه نمی‌داند که نمی‌داند؛ یعنی نادانی همراه با گمان به دانایی: «الْجَهْلُ جَهْلَانٌ، بَسِيطٌ وَ مُرَكَّبٌ».

اصطلاحی: در علم کلام، جهل مرکب یکی از خطرناک‌ترین انواع نادانی است؛ زیرا فرد در آن حالت، گمان می‌کند دانا است و به همین دلیل، در پی دانستن نیز بر نمی‌آید. این نوع جهل از موانع اساسی هدایت و اصلاح فکری است.^۲

علل گرایش به قانون جذب متنوع و پیچیده است و شامل عوامل روان‌شناختی، تأثیرات فضای مجازی، و جنبه‌های معرفتی و دینی می‌شود. این تفاوت‌ها به افراد کمک می‌کند تا از طریق این مفهوم، به دنبال تغییرات مثبت در زندگی خود باشند. به طور کلی، هر فرد ممکن است به دلایل خاص خود به قانون جذب روی آورد و این مسأله نشان‌دهنده‌ی نیازهای متفاوت انسانی در جستجوی معنا و موفقیت است.

در ادامه، به بررسی دقیق‌تر این علل خواهیم پرداخت.

^۱. راندا برن، راز، (ترجمه: نفیسه معتکف)، ص ۲۵.

^۲. مصباح یزدی، آموزش عقاید، ص ۱۵۸.

۱. علل روان‌شناختی

۱-۱. ویژگی‌های شخصیتی

یکی از دلایل مهم گرایش افراد به قانون جذب را می‌توان در ویژگی‌های شخصیتی آنان جست‌وجو کرد. شخصیت به‌عنوان ساختاری نسبتاً پایدار از ویژگی‌های روانی، نقشی بنیادین در نحوه نگرش انسان به خود، جهان و آینده دارد. افراد با تیپ‌های شخصیتی خاص، به‌ویژه تیپ‌های درون‌گرا، خیال‌پرداز، یا کسانی که درون‌مایه‌هایی از اضطراب یا وابستگی دارند، بیشتر در معرض پذیرش آموزه‌هایی مانند قانون جذب هستند.^۱

در نظریه‌های روان‌شناسی، به‌ویژه نظریه شخصیت یونگ، گرایش به نیروهای درونی و معنوی بخشی از ناخودآگاه جمعی انسان دانسته شده است. بر همین اساس، آموزه‌هایی مانند قانون جذب، با تأکید بر قدرت ذهن و تصور، به‌راحتی در ساختار فکری برخی افراد جای می‌گیرند.^۲

همچنین در نظریه روان‌تحلیلی فروید، هنگامی که «فرامن» فرد دچار ضعف یا سرکوب شود، میل به یافتن الگوهایی جایگزین برای قضاوت‌های اخلاقی و معنوی افزایش می‌یابد، و این همان جایی است که مفاهیم شبه‌معنوی مانند قانون جذب وارد می‌شوند.^۳

از سوی دیگر، انسان‌هایی که در کودکی دچار تجربه‌های نادیده‌انگاری یا کمبود محبت بوده‌اند، به‌سمت افکاری جذب می‌شوند که احساس کنترل و اهمیت را به آن‌ها باز می‌گرداند. قانون جذب با این ادعا که انسان می‌تواند با ذهن خود جهان را تغییر دهد، پاسخی روانی به این نیاز سرکوب‌شده می‌دهد.^۴

در آموزه‌های اسلامی نیز به نقش روح و نفس در شکل‌گیری شخصیت اشاره شده است. چنان‌که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (هرکس خود را شناخت،

۱. کریمی، روان‌شناسی شخصیت، ص ۸۲.

۲. همان، ص ۸۵.

۳. فروید، زیگموند، درآمدی بر روان‌کاوی ص ۶۵.

۴. همان، ص ۶۷.

توهم دانایی و تعصب بر باور، او را نسبت به نقدهای دینی و علمی واکسینه می‌کند و میل به اصلاح را از بین می‌برد.

در آموزه‌های اسلامی، چنین حالتی بارها نکوهش شده است. قرآن می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا»؛ (و چون به آنان گفته شود از آن چه خدا نازل کرده پیروی کنید، گویند: بلکه از آن چه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌کنیم)^۱. همچنین، امام علی (ع) می‌فرماید: «الْجَاهِلُ مَنْ اغْتَرَّ بِرَأْيِهِ»؛ (نادان کسی است که به رأی خود مغرور باشد)^۲.

این آیات و روایات نشان می‌دهند که تعصب و پایبندی بی‌دلیل به باورهای قبلی، یکی از مهم‌ترین موانع هدایت و اصلاح معرفتی است؛ امری که در دل‌بستگی برخی افراد به قانون جذب به‌وضوح نمایان است.

۳-۵. ناتوانی در پذیرش محدودیت‌های انسانی و میل به کنترل مطلق

یکی از ویژگی‌های اساسی قانون جذب، تأکید بر قدرت مطلق ذهن در ایجاد واقعیت و تحقق اهداف است. این نگاه، گرایشی پنهان به خودخدا باوری و نادیده گرفتن محدودیت‌های ذاتی انسان دارد. پیروان این قانون، بدون در نظر گرفتن عوامل بیرونی، سنت‌های الهی، و حکمت‌های ناشناخته در نظام هستی، تصور می‌کنند که تنها با تمرکز و خواستن، قادرند هر چیزی را در اختیار بگیرند.

در نگاه این افراد، ناکامی، فقر یا بیماری، نه به‌عنوان بخشی از نظام حکیمانه خلقت، بلکه به‌سبب ضعف خواسته‌ها و افکار منفی تلقی می‌شود؛ در نتیجه، جایگاهی برای حکمت الهی، ابتلائات تربیتی یا مصالح غیبی در نظر گرفته نمی‌شود. همین امر موجب می‌شود که در مواجهه با واقعیت‌های سخت زندگی، نه‌تنها خداوند را مقصر بدانند، بلکه دچار سرخوردگی، یأس یا انکار مفاهیم دینی نیز بشوند.

^۱. بقره (۲): ۱۷۰.

^۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۴.

در مقابل، آموزه‌های اسلامی تأکید دارند که انسان موجودی محدود، وابسته به مشیت الهی و نیازمند هدایت است. قرآن در آیه‌ای می‌فرماید: «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» (شما هیچ‌چیز را نمی‌خواهید مگر آنکه خدا بخواهد^۱). این حقیقت، یادآور جایگاه واقعی انسان در هستی و نفی هرگونه توانایی مطلق در اراده فردی است.

در آموزه‌های دینی، پذیرش عجز و نیاز، مقدمه‌ای برای رشد و تقرب الهی است، حال آنکه قانون جذب با تلقین قدرت بی‌حد به انسان، موجب شکل‌گیری نوعی دانایی کاذب می‌شود که به‌ظاهر آگاهی است، اما در واقع جهالتی عمیق‌تر را پنهان می‌کند. این وضعیت، نمونه‌ای روشن از جهل مرکب است؛ زیرا فرد نه‌تنها به محدودیت‌های خود واقف نیست، بلکه با تصور نادرستی از قدرت ذهن، خود را قادر به تغییر نظام هستی می‌داند.

نتیجه‌گیری

بررسی عوامل گرایش روزافزون به قانون جذب نشان می‌دهد که این پدیده صرفاً نتیجه تبلیغات رسانه‌ای یا علاقه به موفقیت‌های ظاهری نیست، بلکه برخاسته از مجموعه‌ای از عوامل روان‌شناختی، معرفت‌شناختی، فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی است. از منظر روان‌شناسی، انسان امروز با نیازهایی چون معنا، امید، آرامش، احساس اثربخشی، کنترل زندگی و امنیت روانی روبه‌روست. قانون جذب با وعده تحقق سریع آرزوها، بدون نیاز به تلاش مستمر و مسئولیت‌پذیری، پاسخ ساده‌ای به این نیازها ارائه می‌دهد. در نتیجه، به‌ویژه در شرایط بحران هویت، ناکامی‌های پی‌درپی، یا فشارهای اقتصادی و روانی، اقبال عمومی به این آموزه افزایش می‌یابد.

از منظر معرفت‌شناسی، ضعف در شناخت مفاهیم اصیل دینی و فلسفی، نبود مهارت تفکر انتقادی، غفلت از تحلیل عقلانی، و گرایش به سطح‌گرایی، از دلایل اصلی پذیرش آموزه‌هایی است که با وجود ظاهر جذاب، عمق علمی و دینی ندارند. برداشت‌های نادرست از آیات یا

^۱. تکویر (۸۱): ۲۹.

روایات، و تشابهات لفظی میان برخی مفاهیم قانون جذب و آموزه‌های اسلامی، زمینه انحراف معرفتی و فکری را فراهم کرده است.

در سطح فرهنگی و اجتماعی، تضعیف جایگاه آموزش دینی در خانواده و نظام آموزشی، کاهش حضور روحانیت در عرصه عمومی، نبود الگوهای معنوی معتبر، و قدرت نفوذ رسانه‌ها و فضای مجازی، به تقویت این جریان انجامیده‌اند. تأثیر سخنرانان انگیزشی، کتاب‌های موفقیت، شبه‌روانشناسی و شبکه‌های اجتماعی نیز تصویری اغواگر از موفقیت بدون زحمت و رنج ترسیم می‌کنند.

در بررسی تطبیقی با آموزه‌های اسلامی، روشن شد که قانون جذب با اصولی چون توحید افعالی، سنن الهی، مسئولیت‌پذیری، توکل، صبر و رضایت به تقدیر الهی، ناسازگار است. نهایتاً، عامل بنیادین در پذیرش این‌گونه آموزه‌ها، جهل مرکب و دانایی کاذب است؛ یعنی ناآگاهی نسبت به ناآگاهی. راهکار اصلی، تقویت عقلانیت دینی، ارتقای سواد رسانه‌ای، بازسازی نظام تربیتی و بازگشت عالمانه به منابع اصیل اسلامی است.

منابع

*قرآن کریم، ترجمه ی مکارم شیرازی.

*نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

کتاب فارسی

۱. چالدینی، رابرت، نفوذ: روان‌شناسی متقاعدسازی، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: نشر هورمزد، ۱۳۹۸.

۲. خوانساری، محمد بن حسین، شرح غرر الحکم (خوانساری)، ج ۲، تهران - ایران: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات.

۳. داوری اردکانی، رضا، دین و رسانه، تهران: هرمس، ۱۳۹۰.

۴. راندا برن، راز، ترجمه: نفیسه معتکف، تهران: لیوسا، ۱۳۸۶.
۵. سلیگمن، مارتین، روان‌شناسی مثبت‌نگر، ترجمه سیدمحمدی، یحیی، تهران: نشر ارجمند، ۱۳۹۹ش، جلد ۱.
۶. شریفی‌دوست، حمزه، کاوشی در معنویت‌های نوظهور، دفتر نشر معارف، قم – ایران، ۱۳۹۲ه.ش.
۷. طاهرزاده، علی‌اصغر، معنویت و عرفان کاذب، اصفهان: لب المیزان، ۱۳۹۳.
۸. عالمیان، علی‌اکبر، نقد تفکر نوین از منظر معارف اسلامی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۷.
۹. فروید، زیگموند، درآمدی بر روان‌کاوی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۹ش.
۱۰. کاتلر، فیلیپ و کلر، کوین، مدیریت بازاریابی، ترجمه بهمن فروزنده، تهران: نشر آموخته، ۱۳۹۷.
۱۱. کتل، ریموند، مبانی شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر روان، ۱۳۹۹ش.
۱۲. کریسی، توماس، روان‌شناسی سوگیری‌های شناختی، ترجمه محمد نجفی، تهران: رشد، ۱۴۰۰.
۱۳. کریمی، یوسف، روان‌شناسی شخصیت، تهران: سمت، ۱۴۰۰ش.
۱۴. گیدنز، آنتونی، تأملی بر مدرنیته و هویت شخصی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۴.
۱۵. مازلو، آبراهام، انگیزش و شخصیت، ترجمه یوسف کریمی، تهران: انتشارات روان، ۱۴۰۰ش.
۱۶. محمدرضا شرفی، عرفان‌های کاذب و نوپدید، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۱.
۱۷. محمدرضا کربلایی‌لو، نقدی بر عرفان‌های نوظهور با تأکید بر قانون جذب، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۵.

۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، قم: مؤسسه آموزشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲.

۱۹. مظاهری، محمدحسین، توحید در قرآن، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۵.

۲۰. موسوی، محمدرضا، نقدی بر قانون جذب از منظر قرآن و عقل، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۹؛ گروه مطالعات فرهنگی، رسانه و دین در عصر دیجیتال، تهران: سروش، ۱۴۰۰، ص ۷۸.

۲۱. نصر، سید حسین، اسلام و نظم کیهانی، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: طرح نو، ۱۳۹۶.

کتب عربی

۲۲. ابن منظور، جمال الدین، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ دوم، ۱۴۱۴ هـ.ق.

۲۳. زبیدی، مرتضی، محمد بن محمد. ۱۳۰۶، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۰. بیروت - لبنان: دار مکتبة الحیاء.

مقالات

۲۴. پارسا، زهرا، «تحلیل انتقادی بازنمایی مفاهیم معنوی در فضای مجازی»، فصلنامه دین و ارتباطات، ش ۲، ۱۳۹۸.

۲۵. لیلینفلد، اسکات آ. «چرا شبه علم برای شما مضر است»، مرور علمی بر کاربردهای سلامت روان، جلد ۷، شماره ۱، ۲۰۱۰.